روحانیت شیعه و امام خمینی

روحانیت شیعه از نهادهای بسیار مهم و تاریخی می‌باشد که بیش از هزار سال سابقه فعالیت وحضور در صحنه اجتماعی دارد. این نهاد برآمده از متن جامعه است و ریشه در عمق اجتماع شیعیان دارد. روحانیت شیعه وابسته به طبقه اجتماعی خاصی نیست بلکه تمامی طبقات این مجموعه را پوشش می‌دهد. این روحانیت همیشه در کنار مردم بوده و بیان‌کننده خواسته‌ها و آرزوهای محروم‌ترین طبقات اجتماعی بوده است.

روحانیت شیعه برخلاف روحانیت اهل سنت خود دارای مشروعیت دینی است و این مشروعیت را از هیچ قدرت سیاسی دریافت نمی‌کند. این روحانیت دارای ویژگی‌هایی است که به محض کسب آن مشروعیت پیدا می‌کند و در صورت عدم دسترسی به آن خصوصیات به هیچ وجه مشروعیت مورد نظر را به دست نمی‌آورد.

اولین ویژگی روحانیت شیعه کسب علم و به دست آوردن درجه اجتهاد است. فقه و اصول از اولین رشته‌های مورد نظر حوزه‌های علمیه است که طلاب حوزه باید به جدیت تمام به کسب آن بپردازند. در صورتی که یک طلبه در گذراندن این دروس پایه تعلل نماید و کوشش لازم برای دریافت این علوم را به کار نگیرد، از درجه علمی بالایی برخوردار نخواهد شد و در حوزه علمیه به لحاظ علمی حساب ویژه‌ای برای او باز نمی‌کنند.

مدت زمان لازم برای دستیابی به درجه اجتهاد برای استعدادهای متوسط بین ۱۵ تا ۲۰ سال است که این زمان برای رسیدن به مقام مرجعیت گاه به پنجاه سال می‌رسد.

علوم دیگری که در حوزه‌های علمیه مورد توجه قرار می‌گیرد شامل فلسفه، عرفان، تفسیر، اخلاق و ... می‌باشد که باعث همه جانبه شدن یک فقیه می‌شود. این علوم در حوزه به‌عنوان علوم اصلی تلقی نمی‌شود و یادگیری آن‌ها به‌عنوان فضل و نه علم برای افراد به حساب می‌آید.

ویژگی دوم روحانیت شیعه دوری از دنیا و مادیات است که تحت عنوان زیّ‌طلبگی مطرح می‌شود. این ویژگی در جذب آحاد مردم بسیار تاثیرگذار بوده و توجه آنان را به روحانیت جلب می‌کند. با کسب این خصوصیت مردم به این درک می‌رسند که یک روحانی واقعاً روحانی است، زیرا با مادیات سروکار ندارد و فقط در پی حفظ منافع مردم و جامعه و نه خود است. این ویژگی باعث جلب اطمینان مردم شده و آنان را بر گرد روحانی جمع می‌نماید.

بخشی از روحانیت شیعه ویژگی سومی دارند و آن ورود از صحنه‌های اجتماعی به صحنه‌های سیاسی و انقلابی است. این روحانیون در زمان و مکان‌های مختلف به‌دلیل وجود دیکتاتوری و یا استعمار خارجی دست به مبارزات آزادی‌بخش زده که گاهی موفق و زمان‌هایی هم ناموفق بوده است. تاریخ ایران مملو از چنین مبارزاتی است که روحانیت شیعه در آن نقش اساسی داشته است. تحریم تنباکو، انقلاب مشروطیت نهضت ملی شدن نفت و انقلاب اسلامی ایران نمونه بارز این ویژگی روحانیت شیعه است. روحانیت شیعه در عراق نیز در مبارزه با استعمارگران انگلیس و اخراج این دولت از عراق نقش برجسته‌ای داشته است.

روحانیت شیعه تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در رأس قدرت سیاسی قرار نداشت و همیشه در مقابل قدرت و حافظ منافع مردم بود اما پس از پیروزی انقلاب و بنا بر ضرورت و علی‌رغم میل باطنی رهبر انقلاب اسلامی، امام خمینی، که به محض پیروزی به قم رفت و بساط درس و بحث را همچون گذشته گسترانید، روحانیت دارای جایگاه قدرت سیاسی شد. این جایگاه تا حد زیادی موقعیت این قشر را نسبت به گذشته تغییر داد و تا حدی باعث فاصله آنان از جایگاه قبلی و تاریخی خود گردید.

امام خمینی که خود یک روحانی بزرگ و مرجع عالیقدر بود از این تغییر وضعیت خشنود نبود و نگرانی جدی نسبت به روحانیت شیعه و جایگاه حوزه علمیه برای او به وجود آمده بود. امام علی‌رغم قرار گرفتن در رأس نظام جمهوری اسلامی ایران در پی استقلال حوزه‌های علمیه و عدم وابستگی آنان به دولت بود. ایشان جایگاه حوزه‌ها و ریشه عمیق آن‌ها را در میان مردم می‌دانست و دولتی شدن آنان را به صلاح اسلام شیعه، حوزه و روحانیت نمی‌دید.

امام خمینی احترام خاصی برای مراجع تقلید قم قایل بود و نظرات آنان را به‌طور جدی مورد توجه قرار می‌داد. نمونه بارز آن اعلام عید سعید فطر بود که وظیفه حاکم که خود ایشان بود، می‌باشد اما ایشان تا زمانی که برای آیت اله گلپایگانی یقین حاصل نمی‌شد عید را اعلام نمی‌کرد.

برای درک احترام و اهمیتی که امام خمینی برای حوزه‌ها و علمای بزرگ شیعه قایل بود به یکی از فرازهای پیام ایشان به روحانیون سراسر کشور (۶۷/۱۲/۳) می‌پردازیم:

«تردیدی نیست که حوزه‌های علمیه و علمای متعهد در طول تاریخ اسلام و تشیع مهم‌ترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کج‌روی‌ها بوده‌اند. علمای بزرگ اسلام در همه عمر خود تلاش نموده‌اند تا مسایل حلال و حرام الهی را بدون دخل و تصرف ترویج نمایند. اگر فقهای عزیز نبودند، معلوم نبود امروز چه علومی به‌عنوان علوم قرآن و اسلام و اهل بیت ـ علیهم السلام ـ به خورد توده‌ها داده بودند. جمع‌آوری و نگهداری علوم قرآن و آثار احادیث پیامبر بزرگوار و سنت و سیره معصومین ـ علیهم السلام ـ و ثبت و تبویب و تنقیح آنان در شرایطی که امکانات بسیار کم بوده است و سلاطین و ستمگران درمحو آثار رسالت همه امکانات خود را به کار می‌گرفتند، کار آسانی نبوده است که بحمداله امروز نتیجه آن زحمات را در آثار و کتب با برکتی همچون کتب اربعه [کافی: تالیف محدث کلینی، من لایحضره الفقیه: تالیف شیخ صدوق، تهذیب: تالیف شیخ طوسی، استبصار: تالیف شیخ طوسی] وکتاب‌های دیگر متقدمین و متاخرین از فقه و فلسفه، ریاضیات و نجوم و اصول و کلام و

حدیث و رجال، تفسیر و ادب و عرفان و لغت و تمامی رشته‌های متنوع علوم مشاهده می‌کنیم. اگر ما نام این همه زحمت و مرارت را جهاد فی سبیل ا... نگذاریم چه باید بگذاریم؟» (۱)

امام در جایی دیگر به منظور نشان دادن اهمیت حوزه‌های علمیه و فقهای عادل آنان را جانشین پیامبر اکرم معرفی می‌کند و می‌گوید:

«حوزه‌های روحانیت محل تدریس و تعلیم و تبلیغ و رهبری مسلمانان است. جای فقهای عادل و فضلا و مدرسین و طلاب است. جای آن‌ها است که امانتدار و جانشین پیغمبران هستند. محل امانتداری است و بدیهی است که امانت الهی را نمی‌توان به دست هر کس داد.» (۲)

پس از توجه به اهمیت و احترام حوزه‌های علمیه و اهتمام بر کسب علم و جدی گرفتن این موضوع، امام خمینی به بعد دیگری از ضروریات حوزه و روحانیت می‌پردازد که آن خودسازی و تهذیب نفس است. امام نسبت به این مساله حساسیت زیادی دارد و علم بدون اخلاق را برای جامعه بسیار خطرناک می‌داند. ایشان در این زمینه چنین می‌گوید:

«فساد عالم موجب فساد امت شده و معلوم است فسادی که ماده فسادهای دیگر شود وخطیئه‌ای که خطیئات دیگر زاید، بالاتر و بزرگ‌تر است پیش ولی‌النعم از فساد جزیی غیرمتعدی» (۳)

امام خمینی در مورد تهذیب نفس برای طلاب و علما سخنان زیادی دارد که در این‌جا به بعضی دیگر از آن سخنان اشاره می‌کنیم:

«حوزه‌های علمیه باید خودشان را تهذیب کنند. حوزه‌های علمیه بیدار باشند. تقوا را، تقوا را، تقوا را نصب العین خود قرار بدهند. فضلا، طلاب علوم دینیه تقوا، تقوا، تنزیه نفس، مجاهده با نفس. یک مجاهد با نفس می‌تواند بر یک امت حکومت کند. مجاهده کنید، تهذیب کنید.» (۴)

امام در این زمینه باز تاکید می‌کند:

«تزکیه مقدم است بر هر چیز، طلبه‌ای که در مدرسه درس می‌خواند، هم دوش با درس، هم قدم با درس تزکیه لازم دارد.» (۵)

امام که تغییر شرایط حوزه‌ها در روحانیت را پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران درک می‌کند و دسترسی آنان به قدرت سیاسی را بدون آمادگی و خودسازی لازم خطری بزرگ برای آنان می‌انگارد. نسبت به این موضوع حساسیت نشان می‌دهد و می‌گوید:

«قدرت‌طلبی در هر که باشد، این اسباب این می‌شود که زمین بخورد. قدرت‌طلبی از هر که باشد از شیطان است، می‌خواهد رئیس‌جمهور آمریکا قدرت‌طلبی کند یا یک طلبه‌ای در مدرسه بخواهد قدرت طلبی بکند یا یک امام جمعه‌ای در مرکزی که دارد. ... تمام فسادهایی که در عالم پیدا می‌شود، از خودخواهی پیدا می‌شود، از حب جاه، از حب قدرت، از حب مال، از امثال این‌ها است و همه‌اش برمی‌گردد به حب نفس و این بت از همه بزرگ‌تر است و شکستنش هم از همه مشکل‌تر است ... مشغول باشید به شکستن دست و پای یک همچو بتی، اگر رهایش کنید شما را به هلاکت می‌کشاند. این طور نیست که ما را رها کند ... . درجه به درجه پیش می‌برد تا آن جایی که دین انسان را از دست انسان می‌گیرد.» (۶)

امام خمینی در کنار حساسیت به قدرت‌طلبی، دنیاگرایی و توجه به مادیات و خروج از زیّ‌طلبگی را به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی خطری بزرگ برای روحانیت دانسته و می‌گوید هیچ چیزی

به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست و هیچ وسیله‌ای هم نمی‌تواند بدتر از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند. (۷)

امام در این زمینه سخنان بسیار زیاد و پرمحتوایی دارد که نشان می‌دهد ایشان این مساله را برای روحانیت خطر بسیار بزرگی تلقی می‌کند. امام در جمع اعضای شورای مرکزی ائمه جمعه استان تهران چنین می‌گوید: «باید توجه کنید که همه متوجه شما هستند لذا زیّ اهل علم خودتان را حفظ کنید. درست مثل علمای گذشته ساده زندگی کنید. در گذشته چه طلبه و چه عالم بزرگ شهر زندگی‌شان از سطح معمولی مردم پایین‌تر بود و یا مثل آن‌ها بود. امروز سعی کنید زندگی‌تان از زی آخوندی تغییر نکند. اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید، بدانید که دیر یا زود مطرود می‌شوید. برای این‌که مردم می‌گویند ببینید آن وقت نداشتند که مثل مردم زندگی می‌کردند امروز که دارند و دستشان می‌رسد از مردم فاصله گرفتند. باید وضع مثل سابق باشد. باید طوری زندگی کنیم که نگویند طاغوتی هستیم.» (۸)

حساسیت امام خمینی نسبت به رعایت زیّ‌طلبگی تا آن‌جا است که برخلاف روش مرسوم وارد جزئیات شده و در مورد حفاظت از شخصیت‌های روحانی می‌گوید چه بسا با یک اتومبیل پیکان بهتر می‌توانند محفوظ باشند و این در حالی بود که معمولاً مسؤولان به وسیله اتومبیل بنز حفاظت می‌شدند.

امام خمینی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان باز هم حساسیت خود را نسبت به زیّ‌طلبگی بیان می‌دارد و می‌گوید:

«من خوف این را دارم که در این انقلاب که باید روحانیت تقویت بشود و آنچه که شده است به هدایت آقایان بوده است، مبادا خدای نخواسته به واسطه بعضی از اعمالی که از بعضی از این روحانیون و معممین صادر می‌شود، این موجب این بشود که یک وقت یک سستی در روحانیت پیدا بشود. یکی قضیه این‌که از آن زیّ روحانیت که زیّ‌طلبگی بوده است، اگر ما خارج بشویم اگر روحانیون از آن زیّ که مشایخ ما در طول تاریخ داشته‌اند و ائمه هدی ـ سلام اله علیهم ـ داشته‌اند، ما اگر خارج بشویم خوف این است که یک شکستی به روحانیت بخورد و شکست به روحانیت شکست به اسلام است.» (۹)

امام خمینی سطحی نگری و تحجر را از آفت‌های بزرگ روحانیت می‌داند و مقدس نماها را قوی‌ترین مانع برای پیشبرد و اصلاح امور مسلمین معرفی می‌کند. امام معتقد است این گروه همیشه مورد سوء استفاده قدرت‌های خارجی استعمارگر قرار گرفته‌اند و در مقابل نهضت و اصلاحات ایستاده‌اند، زیرا آنان کاری جز مساله گفتن و دعا خواندن نمی‌دانند و حتی حرف زدن را منافی شان آخوند می‌دانند و می‌گویند آخوند فقط لا اله اله ا... بگوید. امام در این زمینه چنین می‌گوید:

«این گونه افکار ابلهانه که در ذهن بعضی وجود دارد به استعمارگران و دولت‌های جائر کمک می‌کند که وضع کشورهای اسلامی را به همین صورت نگه دارند و از نهضت اسلامی جلوگیری کنند.

این‌ها افکار جماعتی است که به مقدسین معروفند و در حقیقت مقدس نما هستند نه مقدس. باید افکار آن‌ها را اصلاح کنیم و تکلیف خود را با آن‌ها معلوم سازیم. چون این‌ها مانع اصلاحات و نهضت ما هستند و دست ما را بسته‌اند.» (۱۰)

امام در جایی دیگر می‌گوید: «خون دلی که پدر

پیرتان از این دسته متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است.» (۱۱)

تشریفات و توجه به ظواهر از آفات دیگر حوزه و روحانیت است که امام خمینی نسبت به آن هشدار جدی داده است، ایشان در این زمینه می‌گوید:

«مساله دیگر، مساله تشریفات حوزه‌های روحانیت است که دارد زیاد می‌شود. وقتی تشریفات زیاد شد، محتوا کنار می‌رود. وقتی ساختمان‌ها و ماشین‌ها و دم و دستگاه‌ها زیاد شد. موجب می‌شود بنیه فقهی اسلام صدمه ببیند. یعنی با این بساط‌ها نمی‌شود شیخ مرتضی و صاحب جواهر تحویل جامعه داد. این موجب نگرانی است و واقعاً نمی‌دانم با این وضع چه کنم. این تشریفات اسباب آن می‌شود که روحانیت شکست بخورد. زندگی صاحب جواهر را با زندگی روحانیون امروز که بسنجیم، خوب می‌فهمیم که چه ضربه‌ای به دست خودمان به خودمان می‌زنیم.» (۱۲)

امام خمینی ضمن رد شدید وعاظ السلاطین و آخوندهای درباری و اسلام آمریکایی، ظلم ستیزی و شهادت طلبی و مبارزه با استبداد و استعمار را از ویژگی‌های مهم روحانیت شیعه می‌داند و اعتقاد دارد تاریخ شیعه مملو از مبارزات علمایی است که رنج‌های فراوان در این راه کشیده‌اند. ایشان در این زمینه چنین می‌گوید:

«روحانیون مبارز و متعهد به اسلام در طول تاریخ و در سخت‌ترین شرایط همواره با دلی پر امید و قلبی سرشار از عشق و محبت به تعلیم و تربیت و هدایت نسل‌ها همت گماشته‌اند و همیشه پیشتاز و سپر بلای مردم بوده‌اند، بر بالای دار رفته‌اند و محرومیت‌ها چشیده‌اند، زندان‌ها رفته‌اند و اسارت‌ها و تبعیدها دیده‌اند و بالاتر از همه آماج طعن‌ها و تهمت‌ها بوده‌اند.» (۱۳)

امام در پیامی خطاب به مراجع اسلام و روحانیون سراسر کشور می‌گوید: «صدها سال است که روحانیت اسلام تکیه‌گاه محرومان بوده است. همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهای بزرگوار سیراب شده‌اند. از مجاهدات علمی و فرهنگی آنان که به حق از جهاتی افضل از دماء شهیدان است که بگذریم، آنان در عصری از اعصار برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی خود مرارت‌ها و تلخی‌هایی متحمل شده‌اند و همراه با تحمل اسارت‌ها و تبعیدها، زندان‌ها و اذیت و آزارها و زخم زبان‌ها، شهدای گرانقدری را به پیشگاه مقدس حق تقدیم نموده‌آند.» (۱۴)

روحانیت و حوزه‌های علمیه به دلیل اهمیت بالایش جایگاه خاصی در گفتارهای امام خمینی دارد که مطالب بسیار زیادی را به خود اختصاص داده است. در این نوشتار سعی شد تا به خلاصه فشرده‌ای از آن مطالب اشاره شود.

دکتر سید محمد صدر

منابع

۱. روحانیت و حوزه‌های علمیه از دیدگاه امام خمینی. تبیان دفتر دهم. چاپ سوم. تهران: ستاد بزرگداشت یکصدمین سال تولد امام خمینی؛ ۱۳۷۸: ۸

۲. همان، ص ۶۵

۳. همان، ص ۱۳۲

۴. همان، ص ۱۳۵

۵. همان، ص ۱۴۲

۶. همان، ص ص ۳۸۷ ـ ۳۸۶

۷. همان، ص ۳۹۴

۸. همان، ص ۳۸۹

۹. همان، ص ۳۹۰

۱۰. همان، ص ص ۳۵۱ ـ ۳۵۰

۱۱. همان، ص ۳۵۵

۱۲. همان، ص ۵۶۶

۱۳. همان، ص ۲۱۳

۱۴. همان، ص ۲۱۵